

چکیده

رمان «دختر رعیت» محمود اعتماد زاده از مهم ترین و مهشورترین آثار ادبیات داستانی معاصر فارسی است. این رمان مانند دیگر آثار داستانی متأثر از بافت سیاسی- اجتماعی دوره ی خود و منعکس دهنده ی فضای اجتماعی روزگارش است. اعتماد زاده در این اثر پیامدهای نظام استعمار زده ی زمان روایت داستان را در قالب ساز و کارهای نظام ارباب و رعیتی باز می گوید. این رمان با رویکرد نقد پسا استعماری که از شاخه های مطالعات میان رشته ای است، تحلیل شد. مطالعات میان رشته ای از رویکرد های جدید نقد ادبی در چند دهه اخیر است که به دو عنصر خود و دیگری و نتایج و اشکال استعمال گری می پردازد. این پایان نامه با هدف بازنمایی و نشان دادن با مرجعه به رمان «دختر رعیت» انجام گرفت. روش کار توصیفی بوده و نتایج نشان داد که اعتماد زاده به طور مستقیم و غیر مستقیم با استفاده از زبان کنایی و با ارایه ی نظام ارباب و رعیتی به انواع حضور استعمار در ایران یعنی استعمار نظامی، اقتصادی و سیاسی اشاره کرده است و نشان داده که حکومت مرکزی ایران و اربابان و خوانینی مانند ارباب ابراهیم ها و ارباب احمد ها در کنار استعمار انگلیس و قزاق های روس قرار می گیرند و نمادیاز آن ها به عنوان چهره های استعمارگر هستند و از سوی دیگر رعیت هایی مانند احمد گل ها و اصغری ها نماد فرودستان و ساکنان مستعمره ها. حمله ی استعمار انگلیس به بانک شاهی نمادی از سلطه ی نظامی و اقتصادی بیگانگان است و توجهی که اعتماد زاده به زبان گیلکی و ساختار آن دارد نشانه ای از بازیابی فرهنگ بومی است. ضمناً حضور شخصیت هایی مانند میرزا کوچک خان و دکتر حشمت و دفاع آن ها از فرودستان نشانه ی چند زبانی بودن این رمان است.

کلید واژه ها: رمان دختر رعیت، پسا استعمار، زبان کنایی، نماد، محمود اعتمادزاده.

